

از کارگران چریک فدائی خلق بیاموزیم !

رفیق احمد کریمی



چریک فدائی خلق رفیق احمد کریمی در سال 1329 در کرمانشاه و در خانواده ای فقیر و زحمتکش دنیا آمد. پدرش کارگر و از تبار "اردوی بیشمار کار" بود. کارگری که مانند هزاران هزار هم زنجیر خود با رنج و زحمت به سختی معیشت خانواده خود را تامین می کرد. برغم سختی شرایط مالی زندگی، اما وی بر تحصیل فرزندانش تاکید داشت و به همین دلیل هم با قبول تمام سختی ها و محرومیت ها شرایط تحصیل فرزندانش را مهیا می نمود. به این ترتیب رفیق احمد موفق شد با ادامه تحصیل دیپلم خود را بگیرد. رفیق احمد کریمی پس از اخذ دیپلم به شغل جوشکاری روی آورد و به عنوان یک کارگر جوشکار در یک جوشکاری واقع در چهار راه جوانشیر شهر کرمانشاه مشغول به کار شد. در این دوره او می کوشید با پولی که از دسترنج خود به دست می آورد هم هزینه زندگی خود را تامین کند و هم به پدرش و خانواده پر اولادشان، به لحاظ مالی کمک بکند. رفیق احمد در حین کار از مطالعه باز نمی ماند و با مطالعه کتابهایی که پیدا می کرد سطح آگاهی طبقاتی خود را بالا می برد. زندگی کارگری و مشاهده درد و رنج ستمدیدگان به تدریج گرایش به شناخت مسببان این وضع و دلائل فقر و فلاکت مردم و بطور طبیعی مبارزه با این دلائل را در وی بوجود آورده و رشد داد. در نیمه دوم دهه چهل بر بستر آگاهی های روشنفکران مبارز، چند حرکت مبارزاتی توده ای در تهران اتفاق افتاد و همچنین به دلیل به جریان افتادن مبارزه مسلحانه در گُردستان، با پیشاهنگی تعدادی از انقلابیون خلق گُرد، به تدریج جو مبارزاتی در جامعه تغییر می یافت.

در چنین شرایطی افکار و اندیشه های انقلابی و سوسیالیستی در خانه رفیق احمد نیز راه باز کرد و بر آگاهی او و برادرانش افزود و آنها را در مبارزه برای از بین بردن فقر و ظلم و ستم و استثمار در جامعه یاری رساند. در این مسیر پیوند های برادرانه آنها به روابطی رفیقانه تبدیل شد و استحکام یافت. سرانجام هنگامی که آنها شرایط نبرد با دشمنان طبقاتی خود را یافتند برای رهائی طبقه خود از قید سرمایه، برای رهائی "داغ لعنت

خورده ها" از جان مایه گذاشتند. امروز برادران کریمی یعنی احمد، علی و نصرت کریمی به عنوان انقلابیون محبوب در دل مردم ایران و به خصوص مردم مبارز کرمانشاه جای دارند.

در اواخر دهه چهل یا حمله چریکهای فدائی خلق به پاسگاه سپاهکل در لاهیجان، جنبش مسلحانه در صحنه جامعه رسماً اعلام موجودیت کرد. این جنبش به تدریج با اقبال وسیع توده ها مواجه شد و سمپاتی خیل بزرگی از کارگران و جوانان را به خود جلب نمود. رفیق احمد یکی از همان کارگران بود که تحت تاثیر مبارزه مسلحانه چریکهای فدائی خلق به هواداری از این جنبش برخاست و در خیزش بزرگ مردم در سالهای 56 و 57، با همه وجود همراه با برادران مبارزش به انقلاب پیوست.

به دنبال سقوط رژیم وابسته به امپریالیسم شاه و قدرت گیری دارو دسته خمینی، رفیق احمد از جمله انقلابیونی بود که خیلی زود پی به ماهیت ضد مردمی رژیم جدید برد. او مبارزه قاطع با استبدادی که هر روز که می گذشت پایه های خود را مستحکم تر و چهره خود را عریانتر می نمود را ضرورتی انکار ناپذیر می دانست. با این آگاهی و موضع انقلابی بود که وی به مخالفت با مواضع سازشکارانه و مماشات طلبانه کسانی که بعد از قیام بهمن سکاندار سازمان چریکهای فدائی خلق شده بودند و عملاً از رژیم جدید حمایت می کردند برخاست؛ و سپس به دنبال اعلام موجودیت چریکهای فدائی خلق ایران خود را موظف دید که با تمام توان از این تشکل نو پا، پشتیبانی نموده و به صف آن بپیوندد.

پس از اعلام موجودیت چریکهای فدائی خلق، رفیق احمد همراه با برادرانش علی و نصرت و دیگر یارانشان در کرمانشاه، جزء اولین نیرو هائی بودند که هسته اصلی هواداران چریکهای فدائی خلق در این استان را شکل دادند و با فعالیتهای و ابتکارات خود آنها گسترش دادند. این رفقا همچنین در ارتباطی تنگاتنگ با رفقای بندر عباس قرار گرفتند. آنها که از هیچ تلاشی در جهت مسلح کردن خود و سازماندهی نیرو های همفکر شان کوتاهی نمی کردند، مبشر آگاهی و حرکت انقلابی در کرمانشاه بودند.

به دنبال یورش وحشیانه و سراسری رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی به توده ها و سازمانهای سیاسی در 30 خرداد سال 60 و بساط دار و شکنجه ای که جمهوری اسلامی در سراسر کشور راه انداخت، این رفقا نیز مورد یورش ارادل و اوپاش حکومتی به نام پاسداران قرار گرفتند. در نتیجه این یورش در 15 اسفند ماه سال 60 رفیق احمد همراه با تعدادی از برادران و یارانش به جرم ارتباط با چریکهای فدائی خلق دستگیر و زیر شدیدترین شکنجه ها قرار گرفت.

چریک فدائی خلق، رفیق احمد کریمی که به دلیل برخورداری از تجارب مبارزاتی، زندان را عرصه دیگری از مبارزه طبقاتی می دانست، در زندان نیز از مبارزه با دژخیمانی که پاسدار منافع سرمایه داران بوده و در خدمت به دشمن طبقاتی او به هر جنایتی دست می یازیدند، باز نماند. او قهرمانانه شکنجه های دژخیمان جمهوری اسلامی را تحمل کرده و از دادن اطلاعات خود به دشمن، خودداری نمود. مقاومت رفیق احمد کریمی و همچنین مقاومت جانانه برادرانش، نصرت و علی و بقیه رفقای استان کرمانشاه در زندان دیزل آباد آنچنان قهرمانانه بود که زبانزد زندانیان سیاسی زندان دیزل آباد شد و در خدمت تقویت روحیه مبارزاتی آنها قرار گرفت. سرانجام در اول شهریور سال 1361 دژخیمان خمینی رفیق احمد را همراه با ده انقلابی دیگر در حالیکه همگی سرود انترناسیونال را می خواندند به میدان تیر برده و تیرباران نمودند. در این آوردگاه، رفیق احمد، کمونیستی که همه زندگی اش مبارزه برای رهائی طبقه کارگر از ظلم و ستم و استثمار بود، کسی که برای اتحاد کارگران می

رزمید، سرود جهانی طبقه کارگر بر لب، جانش را وثیقه رهائی کارگران و هموار کردن راه رسیدن به جامعه آزاد انسانی، عاری از استثمار و ستم نمود. با شهادت این رفیق فدائی، طبقه کارگر یکی از پیشروان قهرمان خود و چریکهای فدائی خلق یکی از صدیق ترین یارانشان را برای همیشه از دست دادند. چریک فدائی خلق، رفیق احمد کریمی کمونیستی بود که یادش هنوز هم الهام بخش یارانش می باشد.

یاد رفیق احمد کریمی گرامی و راهش پر رهرو باد.